

ایران

صاحب امتیاز:

فره‌گزاری جمهوری اسلامی

اذان قهر ۱۲/۱۸ | اذان مغرب ۱۸/۱۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۶ | اذان صبح فردا ۵/۱۹ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۲

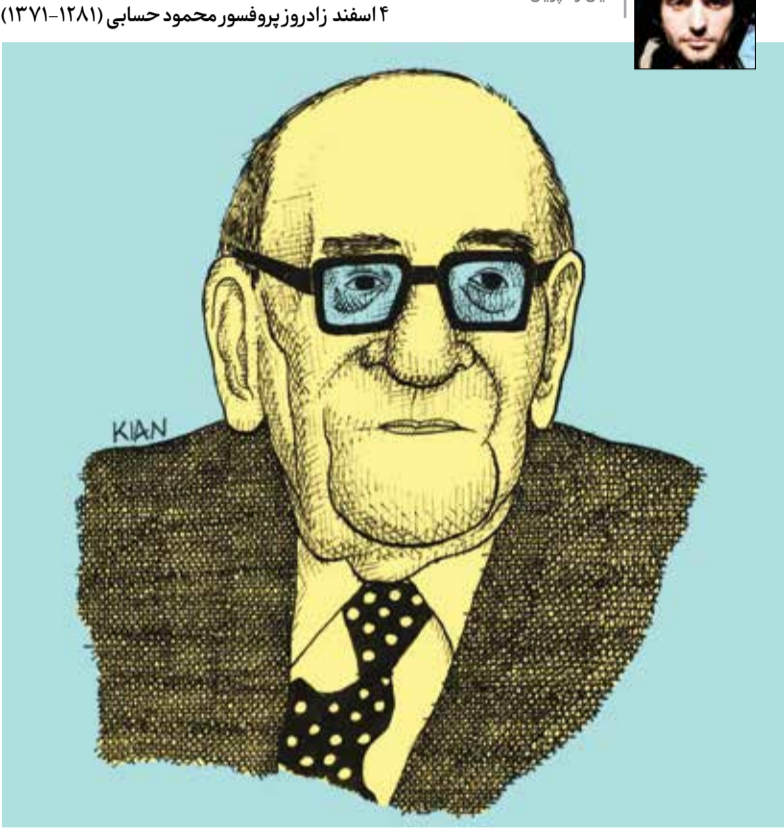
امام حسین (ع): شیعه‌ها مگسی است که دلش از هرگونه خیانت و نیرنگ و مکرری پاک است.

سخن روز

نگاره



کیان رادپویان



هنرمندان در فضای مجازی

ماه پایانی سال رسیده و اهالی فرهنگ و هنر با شتاب بیشتری برای خروجی تولیدات فرهنگی – هنری خود می‌کوشند؛ از انتشار تازه‌های کتاب گرفته تا فیلم‌هایی که اکران نوروزی خواهند داشت و حتی برنامه انتشار آلبوم‌های موسیقی و تئاترهایی که میزبانی علاقه‌مندان را برعهده خواهند داشت.

■ **یاد**

این روزها به سالروز تولد زنده‌یاد «ایرج جهانشاهی» گره خورده، آنهایی که به طور تخصصی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان کار می‌کنند با خدماتی که این چهره فرهنگی برای ادبیات سرزمین‌مان داشته آشنا هستند. صفحه انتشارات «کتاب‌های طوطی» نکات خوبی در معرفی جهانشاهی نوشته، از جمله می‌توان به یادگارهای ارزشمندی اشاره کرد که تجربه‌ای تازه را برای نویسندگان فعال در این حوزه سبب شد. مجموعه سه جلدی «قصه‌های من و بابام» با وجود گذشت سال‌ها همچنان در میان اهالی ادبیات و دوستداران کتاب محبوب است. این نویسنده، مترجم و ویراستار متولد ۱۳۰۵ بود که در یک همکاری مشترک نخستین کتاب فارسی اول دبستان را نوشت. او همچنین برای سال‌ها سرپرستی شورای ویراستاری فرهنگنامه کودکان و نوجوانان در شورای کتاب کودک را برعهده داشت. انتشار «سالنامه فرهنگ خوزستان»، انتشار «سالنامه فرهنگ مسجد سلیمان» و انتشار مجله‌های بیک کودک، بیک معلم، بیک نوجوانان و بیک جوانان در مرکز انتشارات آموزشی از دیگر فعالیت‌های وی هستند.

■ **چهره‌ها**



وحید تاج، خواننده موسیقی سنتی ایرانی در صفحه اینستاگرام خود از انتشار آهنگ تازه‌ای خبر داده و نوشته: «با مهر و احترام آهنگ «ره نشین» از یکشنبه ساعت ۱۸ تقدیم پیشگاه شما عزیزان شد.» آن‌طور که در این اطلاع‌رسانی آمده ترانه این قطعه کاری از عبدالجبار کاکایی است، موسیقی و ارکستراسیون را هم



امیر بشیری انجام داده است. وی بخشی از این قطعه موسیقی را هم در صفحه خود با علاقه‌مندان به اشتراک گذاشته است.

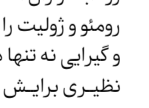


اسماعیل امینی، شاعر و نویسنده با انتشار تصویری از کتاب تازه خود نوشته: «کتاب جدیدم الان به دستم رسید. این کتاب از مجموعه کتاب‌های خندان انتشارات مدرسه است که با دبیری دوست طنزنویسم علیرضا لیش فراهم آمده. کتاب (بخندن باکلاس) ترقیضه‌ای است به شیوه (نصاب الصبیان) که در قدیم



کتاب درسی مکتب‌خانه بود.»

هانیه توسلی بازیگر سینما از اکران فیلم سینمایی «ملخ» به کارگردانی فائزه عزیزخانی در جشنواره «جنوب از جنوب غربی» خبر داده است. او نوشته: «راهیابی فیلم ملخ به این جشنواره بزرگ، معتبر و تأثیرگذار می‌تواند پنجره‌ای جدید را روی فیلم‌های مستقل ایرانی بگشاید.» ملخ داستان یک روز زندگی هانیه است؛ نویسنده‌ای شکست خورده و عاشق سینما که فیلمنامه‌ای الهام پذیرفته از زندگی خود را برای کارگردانی در اختیار دوست نزدیکش قرار داده است.



علی زندوکیلی خواننده و نوازنده هم از کنسرت در پیش روی خود خبر داده و نوشته: «همصدا و هم نفس با شما عزیزانم، مشتاق دیدار شما در چهارم اسفند ماه، برج میلاد» برای اطلاع از چگونگی حضور در این کنسرت می‌توانید سری به صفحه وی در شبکه‌های اجتماعی بزنید.

■ **دیگه چه خبر**

صفحه منتسب به محمدرضا شفیعی کدکنی مطلبی از «محمدعلی اسلامی ندوشن» درباره «رودابه» را بازنشر کرده است. در بخشی از این نوشته آمده: «بین داستان‌های عاشقانه شاهنامه، از همه عالی‌تر و کامل‌تر داستان دلدادگی رودابه و زال است. این داستان که از جهتی ماجرای عشقی رومنو و ژولیت را در شکسپیر به خاطر می‌آورد، از حیث زیبایی و گیرایی نه تنها در شاهنامه، بلکه در سراسر ادبیات فارسی نظیری برایش نمی‌توان جست.» در ادامه نکاتی درباره شباهت و تفاوت این دو ماجرا آمده که برای علاقه‌مندان ادبیات ایران و جهان خواندنی است.

صفحه «رادیو گوشه» از اتمام کارهای تولید کتاب صوتی تازه‌ای خبر داده و نوشته: «صد و سی و سومین کتاب شنیدنی رادیو گوشه در راه است. کتاب شنیدنی «اتحادیه ابلهان»، اثر «جان کندی تول» با ترجمه پیمان خاکسار و صدای اشکان عقیلی‌پور در رادیو گوشه…» در ادامه توضیحات بیشتری درباره این کتاب آمده که نویسنده «اتحادیه ابلهان» بابت تألیف این کتاب موفق به دریافت جایزه پولیتزر شده است. این کتاب در زمره محبوب‌ترین آثار داستانی آمریکایی هم به شمار می‌آید. درباره داستان این کتاب هم جالب است که بداندید قهرمان اصلی آن یک «دن کیشوت» امروزی است که وادار می‌شود از خلوت خود بیرون آمده و با جامعه‌ای روبه‌رو شود که از آن متنفر است.

زبان مادری بخشی ارزشمند و گرامی از فرهنگ ایران و پیشینه نیاکانی است

میرجلال‌الدین کزازی این زبان را از آن روی زبان مادری می‌نامند که مادر در آموختن آن به دیگران بیشترین کارکرد را دارد، زیرا مادر است که از سالیان خردی با فرزندان خود سخن می‌گوید و برپای آنان لالایی می‌خواند. اگر مادران زبان مادری را به کار نبرند در سخن گفتن با کودکان‌شان، زبان مادری از میان خواهد رفت. پس آموزش مادران در پربرداری زبان مادری کارکردی بنیادین دارد و هیچ آموزشی نمی‌تواند همسنگ و همسان با آن باشد. نکته دیگر که همواره باید بر آن درنگ ورزید آن است که زبان مادری هرگز در ستیز با زبان فراگیر میهنی نیست و رویروایی در آن جای ندارد. زبان مادری بخشی ارزشمند و گرامی از فرهنگ ایران و پیشینه نیاکانی است. زبان پارسی که زبان فراگیر ایرانیان است پیوندهایی تنگ و بیسار دارد با زبان‌ها و گویش‌های بومی.

بخشی از صحبت‌های این استاد زبان و ادبیات فارسی به مناسبت روز جهانی زبان مادری (۲ اسفند– ۲۱ فروریه) در گفت‌وگو با ایسنا

روز جهانی زبان مادری (۲ اسفند– ۲۱ فروریه) در گفت‌وگو با ایسنا

روز جهانی زبان مادری (۲ اسفند– ۲۱ فروریه) در گفت‌وگو با ایسنا

روز جهانی زبان مادری (۲ اسفند– ۲۱ فروریه) در گفت‌وگو با ایسنا

جای خالی «باربد»

هر هنرمندی، علاقه دارد تا در رویدادی فرهنگی، مورد تقدیر قرار گیرد یا در جریان یک رقابت فرهنگی جایزه‌ای دریافت کند. در ایران متأسفانه به دلایلی گوناگون، چنین فرصت‌هایی معدود و محدود است و اگرچه سال‌هاست که در سینما این اقدام انجام می‌شود اما در عرصه‌ها و رشته‌های دیگر هنر، همچون موسیقی تنها چند سالی است که به این موضوع تحت عنوان جایزه «باربد» جایزه‌خیز باربد، به‌عنوان جایزه بخش رقابتی جشنواره موسیقی فجر، امسال پنجمین دوره خود را تجربه کرد و برگزیدگان خود را معرفی کرد. ساز و کار کلی این جایزه، وری، آنگه فضای رقابتی سازنده را در موسیقی ایران تقویت می‌کند، بلکه معرفی استعداد‌های موسیقی در رشته‌های مختلف را هم میسر می‌سازد و از این‌رواست که نام‌های معرفی شده در آن، شامل هنرمندانی است که در «موسیقی» ونه سایر مسائل وابسته یا دخیل در آن، متبحرند. مسائلی که در مجموع «مارکت» موسیقی را در ایران پدید می‌آورند که اتفاقاً نقش و موجودیت خود موسیقی به لحاظ کیفی در این مارکت چندان پررنگ نیست. از این‌رواست که نام‌های باربد عمدتاً نام‌هایی هستند که شهرت عامه ندارند.

اما یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی این جایزه که البته در بیابنه امسال هیأت انتخاب و داوری نیز بدان اشاره و بر ضرورت اصلاح آن تأکید شده بود، تقسیم‌بندی‌های مرتبط با ژانر‌ها گوناگون موسیقی است. به‌عنوان مثال و چنانکه شاهد بودیم، در

یادداشت



حسین علیشاپور خواننده موسیقی سنتی ایران

خود را تجربه کرد و برگزیدگان خود را معرفی کرد. ساز و کار کلی این جایزه، وری، آنگه فضای رقابتی سازنده را در موسیقی ایران تقویت می‌کند، بلکه معرفی استعداد‌های موسیقی در رشته‌های مختلف را هم میسر می‌سازد و از این‌رواست که نام‌های معرفی شده در آن، شامل هنرمندانی است که در «موسیقی» ونه سایر مسائل وابسته یا دخیل در آن، متبحرند. مسائلی که در مجموع «مارکت» موسیقی را در ایران پدید می‌آورند که اتفاقاً نقش و موجودیت خود موسیقی به لحاظ کیفی در این مارکت چندان پررنگ نیست. از این‌رواست که نام‌های باربد عمدتاً نام‌هایی هستند که شهرت عامه ندارند.

اما یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی این جایزه که البته در بیابنه امسال هیأت انتخاب و داوری نیز بدان اشاره و بر ضرورت اصلاح آن تأکید شده بود، تقسیم‌بندی‌های مرتبط با ژانر‌ها گوناگون موسیقی است. به‌عنوان مثال و چنانکه شاهد بودیم، در

خبرسانی یا خبرسازی؟

بخشی از کارکرد رسانه‌ها در همه جای دنیا پوشش اخبار نازل و سطح پایین درباره چهره‌های مشهور و محبوب است. نمایش زندگی خصوصی، افشای روابط عاطفی یا میزبان درآمد سلبریتی‌ها برای بعضی از مردم جنبه خبری بالایی دارد. به همین دلیل رسانه‌ها، به‌ویژه آنهایی که کمتر جدی هستند و رویکرد سرگرم‌کنندگی دارند بر پوشش و اطلاع‌رسانی درباره این جزئیات اصرار دارند. این رسانه‌ها، نیاز به دانستن اینگونه اطلاعات بیهوده را در عده‌ای از مخاطبان به وجود می‌آورند و با پوشش وسیع این جنس اخبار زرد و حاشیه‌ای به این نیاز پاسخ می‌دهند. تعدادی از رسانه‌های داخلی و به‌ویژه صفحه‌ها در اینستاگرام به اطلاع‌رسانی درباره ازدواج، سفر‌ها، جدایی و… سلبریتی‌ها می‌پردازند و اجازه نمی‌دهند چهره‌های حاشیه‌ساز از ذهن مردم بروند.

مهرداد جم که خواننده درجه سه موسیقی ایران هم نیست، چند ماه در صدر اخبار قرار می‌گیرد و نمایش مبتذل و سطح پایینش با دنیا جهانبخت، موجی از تصویر و خبر تولید می‌کند. صدف طاهریان در سینمای ایران، وضعیتی شبیه به مهرداد جم دارد. بازیگری درجه سه که بسیاری او را قبل از مهاجرت به ترکیه و شروع حرفه مدلینگ نمی‌شناختند. در میان انبوه بازیگران زن سینما، طاهریان واجد طاهریان و زندگی برای دیده شدن و خیرسازی نبود. نه استعدادی در حوزه بازیگری به شمار می‌رفت، نه فیلم مهمی بازی کرده بود، نه شناخته می‌شد. مهاجرت او و انتشار عکس‌های غیرمتعارف در اینستاگرام، یک شبه او را نه ستاره که مشهور کرد. طاهریان هنوز هم، نه مشهور است، نه محبوب. اما به‌واسطه حرف‌های گاهی به او رجوع شده و عکس‌هایش در اینستاگرام و سایت‌های زرد داخلی دست به دست می‌شود.

رحانه پارسا با وجودی که در سریال «پدر» استعدادش را به‌عنوان بازیگر نشان داد، از جنس این فضاست. احتمالاً کمتر کسی به یاد می‌آورد که اوایل سفر به ترکیه، چه ادعای عجیبی درباره دستگیری‌اش توسط نیروهای امنیتی ایران می‌کرد و خود را مهم جلوه می‌داد. در حالی که در تمام این سال‌ها بازیگرانی بزرگ‌تر و مهم‌تر از او مهاجرت کرده‌اند و اتفاقاً برایشان نیتفاده است. پارسا با گذشت حجاب و فعالیت‌های حاشیه‌ای خود را در مرکز توجه نه داشت، اگرچه آن موج فروکش کرده اما این بازیگر جوان، هنوز هم تلاش می‌کند روی تماشاگران نمایشی که راه انداخته تأثیر بگذارد. پارسا زمانی که در ایران بود، در نشست خبری فیلم «خوب، بد، جلف ۲» در جشنواره فجر، توجه عکاس‌ها را با زت‌های عجیبش جلب کرد، او همان موقع نشان داد توجهی که از رسانه و مخاطبش می‌خواهد، از چه جنسی است.

سفر سحر قریشی به ترکیه یکی از خبرهای داغ این روزهای سینماست. قریشی بازیگری پرکار در سینمای تجاری است که معمولاً حرف‌ها و اظهارنظر‌هایش حاشیه‌ساز است و در رسانه‌های زرد و سرگرم‌کننده موج ایجاد می‌کند. این بازیگر که صفحه اینستاگرام دارد، در غیبتی خودخواسته به موج خبرسازی‌ها درباره ازدواجش با امیر تتلو (خواننده مهاجرت کرده) دامن می‌زند. در حالی که به راحتی می‌تواند این خبر را تأیید یا تکذیب کرده، درباره ازدواج با دلایل سفرش چند خط بنویسد یا ویدیویی منتشر کند. اما در این صورت «بازی» از بین می‌رود و «نمایش» تماشاگران ساده‌دلش را از دست می‌دهد. دنبال کردن این دست خبرسازی‌ها و این سیرک مبتذل، در شرایطی که جامعه و سینما مسائلی بسیار پیچیده‌تر و مهم‌تر دارد، فراهم کردن فضا و فرصت برای این چهره‌ها و رسانه‌ها برای تحقیر توده‌ها و دامن زدن به ابتذال است. کاش بدانیم هر کدام از ما، با قطع کردن توجه و تمرکز روی این موضوع‌ها، می‌توانیم به رسانه‌های محترم و اطلاع‌رسانی شریف فرصت بیشتر دیده شدن بدهیم.



نیز بر آن تصریح شده بود.

از طریق نمایش پیاموز

نخستین برف زمستانی باریده و گلوله‌های برفی در محله‌ها و کوچه‌ها مشغول بازی و شادی با کودکانند. خانواده باروها نیز تولد پاروچه را جشن گرفته‌اند و تمام محله را کوچه به کوچه پارو می‌کنند. دو گلوله برفی در سفر به این محله با گلوله زغال روبه‌رو می‌شوند که آرزودار کرسی بی‌بی جان را روشن کند. آنها با کمک بچه‌ها گلوله زغال را به آرزوی خود می‌رسانند در حالی که خودشان آب می‌شوند.

آنچه خوانندید خلاصه‌ای از نمایش «سفر برفی» است که این روزها در سالن گلستان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای گروه سنی خردسال در حال اجراست. فرهاد اسماعیلی نویسنده این نمایشنامه است که توسط کبری المامیر و فرهاد اسماعیلی کارگردانی شده است. بازیگران نمایش «سفر برفی» کبری المامیر، پویا بیزدان جو، الهه امام‌زاده و زهرا براز هستند و بازی دهنده عروسک: کبری المامیر، پویا بیزدان جو و الهه امام‌زاده هستند.

این دو کارگردان از فعالان حوزه تئاتر کودک هستند و به گفته خودشان در این نمایش سعی دارند از طریق نمایش که آموزش غیرمستقیم است به خردسالان مفاهیم مسئولیت‌پذیری، احترام به خود و دیگران، کمک کردن در کارهای خوب را بیاموزند. این دو کارگردان به آموزش و تجربه موقعیت‌های متفاوت و مهم در زندگی خردسالان و اهمیت بالای آن تأکید کرده‌اند و معتقدند چنانچه آموزش، سرمستقیم و کاربردی باشد تا سال‌های سال تأثیرش باقی خواهد ماند.

این نمایش ویژه خردسالان هر روز بجز روزهای شنبه ساعت ۱۶:۳۰ در سالن گلستان مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اجرا می‌شود.



- **سفر برفی**
- **نویسنده: فرهاد اسماعیلی**
- **کارگردان: کبری المامیر، فرهاد اسماعیلی**
- **ساعت اجرا: ۱۶:۳۰**
- **سالن گلستان**

عکس نوشت

عکسی از امیر هوشنگ ابتهاج شاعر ایرانی در فضای مجازی منتشر شده که این شاعر و پژوهشگر را نشان می‌دهد که با شاگردان کلاس چهارم پنجم درباره شعر فارسی در حال گفت‌وگو است. در این دیدار مجازی، دختران شعرهای سروده خود را برای سلیه خواهند.



ای دوست غم جهان فرسوده مخور

بیهوده همی غمان بیهوده مخور

چون بوده گذشت ،نیست نابوده پدید

خوش باش و غم بوده و نابوده مخور

خواجه نصیرالدین طوسی

از شناخت تا خطاهای شناختی / ۴

باور بنیادین شما چیست؟

یک فتنان چای



آزاده سهرابیان روانشناس

او باور دارد که «دنیا جای امنی نیست» این باور را به صورتی آگاهانه تجربه نمی‌کند بلکه بیشتر با پیام‌های آن روبه‌روست. مثلاً درگیر اضطراب بیماری شده است. زیرا به این اضطراب همان باور بنیادینی است که دارد به او می‌گوید: «اینقدر

دنیا جای ناامنی است که او در معرض انواع بیماری‌ها نمی‌تواند از خودش محافظت کند.» وقتی همسرش را انتخاب می‌کرد هم این باور بنیادین حضوری جدی داشت تا او فردی را انتخاب کند که به قدر کافی نیرومند و حتی خشن باشد که از او در مقابل این دنیای ناامن محافظت کند و چشمش را روی ویژگی‌های دیگر شخصیتی بست و حالا که با آنها مواجه شده دچار تعارضی جدی است. همین اضطراب‌ها را حالا به فرزندانش هم منتقل کرده است. از کنترل غذایی که می‌خورند تا هر بازی و رفت و آمدی را با حساسیت بالا نظاره می‌کند تا مگر آسیبی به آنها نرسد و کافی است یکی از فرزندانش تب کند، اضطراب مادر فراتر از میزان بیماری فرزندش است. اما او نمی‌تواند این چرخه به‌هم پیوسته در زندگی‌اش را ببیند. روان‌درمانگران شناختی معتقدند که ما سه سطح شناخت در شناخت درمانی شامل باورهای بنیادین، باورهای میانجی و افکار خودآیند منفی داریم. چیزی که عموم مردم علاقه‌مند به حوزه روانشناسی درباره تله‌های زندگی یا طرح‌واره‌ها شنیده‌اند در واقع ریشه در همین باورهای بنیادین دارد: «من به قدر کافی دوست داشتمی نیستم»، «دنیا جای ناامنی است»، «همه مرا ترک خواهند کرد»، «از پس مشکلاتم بدون کمک دیگران بر نخواهم آمد» و… این باور که عموماً در کودکی و در مسیر تربیت ما رخ داده است یک محتوای ثابت را در موقعیت مختلف فعال می‌کند چون در نظام باور ما و مهم‌تر از آن در نظام پردازش اطلاعات ما حضوری ثابت دارد و در نتیجه ما می‌کند. آن مادر به محض اینکه فرزندش بیمار شود با خود نمی‌گوید: «همه بچه‌ها ممکن است بیمار شوند» او می‌گوید: «من مطمئن هستم اگر به خوبی از فرزندم مراقبت کنم او مریض نمی‌شود، بین چقدر دنیا بی‌رحم است که فرزند من بیمار شد». باورهای میانجی را در همین جمله بالا می‌توانید ببینید. باورهای میانجی تحت تأثیر باورهای بنیادین یک سری باید هستند. «من باید چشم از فرزندانم بردارم»، «من باید هر ماه توسط دکتر چکاب شوم» و…

کسی که فکر می‌کند همه او را ترک می‌کنند باید‌هایش می‌شود «من باید آنقدر فداکار باشم که کسی مرا ترک نکند» یا «من باید آنقدر حامی باشم که کسی مرا ترک نکند» و…

افکار خودآیند منفی هم عموماً گزاره‌ها و تصاویری در همین راستا هستند. به محض بیماری آن مادر، مدام تصاویری از لحظات تلخی را که پیش از این در بیماری خودش یا اطرافیانش تجربه کرده است مرور می‌کند درحالی که حتماً لحظات خوش رهایی از بیماری یا حتی گزاره‌هایی از بیماری‌هایی که خیلی هم آسان گذشته وجود دارد. حالا تصور کنید ما با انواع خطاهای شناختی هم که در روز قبل بخشی از آن را فهرست کردیم روبه‌رو هستیم. این میزان سخت کردن زندگی با یک باور بنیادینی که درست است بر اساس تجربه دردناکی در گذشته ما رخ داده و ایجاد شده است اما آیا قرار است تمام زندگی خود را به دست آن تجربه بسپاریم؟ شما کدام باور بنیادین را دارید که در هر شرایط سختی فعال می‌شود؟

